



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان
www.said-afghani.org
 آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

گرد اورنده : عبدالعلي « رسول زاده »
 تاريخ نشر : 25 اکتوبر 2014 م

گرامر مختصر دري

افکار و مقاصد خود را توسط کلام بیان می کنیم . کلام از ترکیب کلمات به وجود می آید . کلمات از ترکیب صداها تشکیل می گردند . این صداها را به نام حرفهای صوتي می نامند . این حرفهای صوتیکه در زبان دري بهکار می روند عبارت اند از :

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ م ن
 و ه ی .

از جمله حروف فوق (و ا ی) را حروف صدا دار **Vokaler** گویند . و حروف متباقی را بنام حروف بی صدا یا **Konsonanter** نامند .

کلام اجزاء ذیل دارند :

Substantiv	اسم
Adjektiv	صفت
Pronome	ضمير
Verb	فعل
Adverb	قيد
Prepositioner	حروف اضافه
Konjunktioner	حروف ربط

۱- اسم **Substantiv** :

اسم نام انسان ، حيوان ، جای ، چیز ، کیفیت یا احساس را گویند مانند احمد ، گوسفند ، کابل ، گریه ، خوشي ، غم و غیره .
 اسم دو قسم است ، اسم عام و اسم خاص :

الف - اسم عام : اسم عام ان اسم است که مانند ان زیاد وجود داشته باشد ، مثل : کتاب ، قلم ، شهر ، بچه ، دختر ، مرد ، زن ، اسپ ، مملکت و غیره .
 ب - اسم خاص : اسم خاص ان اسم را گویند که مانند ان وجود نه داشته باشد مثل : احمد ، افغانستان ، کابل ، هرات ، جرمنی ، افتاب ، زمین و غیره .

اسم از روی تعداد یا مفرد یا واحد (یک) و یا جمع (زیاد) میباشد مانند :

مفرد	جمع
اسپ	اسپها
قلم	قلمها
زن	زنها
جوان	جوانها ، جوانان
دختر	دخترها

2- صفت Adjektiv :

صفت کلمه یست که چگونگی اسم را بیان میکند مانند :
 برادر من یک موتر سفید خرید .
 ما در یک تعمیر بلند زندگی می کنیم .
 احمد یک قلم کوتاه دارد ،
 فاطمه یک چوکی کهنه خرید .
 پدر احمد یک مرد دانا است .
 من با یک دختر هراتی گپ زدم .
 در جملات فوق سفید ، بلند ، کوتاه ، کهنه ، دانا و هراتی صفتها اند .

۳ - ضمیر Pronomen :

ضمیر کلمه یست که به عوض اسم استعمال میگردد مانند :

من	ما
تو	شما
او	انها
از من	از ما
از تو	از شما
از او	از آنها

ضمیر یا متکلم است یا مخاطب است و یا غایب است مانند :

متکلم Förste person :
 متکلم کسی است سخن میزند. ضمیر متکلم یا مفرد و یا جمع میباشد مانند:
 من (ضمیر متکلم مفرد)
 ما (ضمیر متکلم جمع)

مخاطب Andre person :
مخاطب کسی است که متکلم به او خطاب میکند. ضمیر مخاطب یا مفرد و یا جمع
میباشد مانند :

تو (مفرد مخاطب)
شما (جمع مخاطب)

غایب Tredje person :
غایب شخصی یا چیزی است که متکلم در باره اش سخن میزند، غایب هم یا مفرد
است و یا جمع مانند:

او (مفرد)
انها (جمع)

۴- فعل Verb :

فعل کلمه یست که کردن یا شدن یک کار را نشان میدهد مانند :

او مکتب میرود .
فریده غذا خود را خورد .
معلم به مکتب آمده بود .
من فردا به افغانستان خواهم رفت .
قاری صاحب قران شریف خوانده است .

در جملات فوق میرو، خورد، خواهم رفت و خوانده است افعال اند .
فعل از لحاظ وقت بر سه قسم است مانند : حال ، ماضی (گذشته) و استقبالی (آینده) که
ما درین جا هر زمانه انرا جداگانه میخوانیم

الف - حال Presens

فعل حال فعلی را گویند که یک کار در حال حاضر انجام داده میشود مانند :
من کار خانگی خود را میکنم .
او خانه برادر خود میرود .
احمد به پدر خود میگوید .
انها کتاب خود را میخوانند .

در جملات فوق میکنم، میرو، میگوید و میخوانند افعالی اند که در زمانه حال واقع
شده اند .

ب - ماضی (گذشته) : این فعل واقع شدن یک کار را در زمان گذشته بیان میکند و بر
چهار نوع میباشد

- ماضی مطلق Imperfekt : ماضی مطلق را در جملات ذیل میخوانید

من کابل رفتم .
او کتاب مرا آورد .
تو کار خانگی خود را کردی .
شما دو بجه به مکتب آمدید .
در جملات فوق رفتم، آورد، کردی و آمدید افعال ماضی مطلق اند .

– ماضی قریب Perfekt : مانند
من نان چاشت خود را خورده ام .
او کتاب مرا آورده است .
قاسم کالا خود را به خیاط داده است .
نفیسه مادر خود را به پیش داکتر آورده .
سلطان به معلم خود گفته .
جملات فوق در زمان ماضی قریب واقع گردیده اند .

– ماضی (گذشته) بعید Pluskvamperfekt مانند :

من کتاب احمد را خوانده بودم .
شما کرایه او را داده بودید .
راضیه بوت برادر خود را آورده بود .
انها به کابل یک مکتوب روان کرده بودند .
جملات فوق در زمان ماضی بعید واقع شده اند .

– ماضی (گذشته) استمراری (جاری)

ماضی جاری کاری را در حالت جریان نشان میدهد مانند :
احمد دیروز کتاب خود را میخواند .
فاطمه دو سال پیش به چین سفر میکرد .
انها کتاب نفیسه را می آوردند .
من نان چاشت می خوردم که معلم من تلفون کرد .

در جملات فوق میخواند، سفر میکرد، می آوردند و می خوردم هر یک فعل ماضی جاری یا استمراری است .

ج - فعل استقبال (اینده) Futurum :

واقع شدن فعل را در آینده نشان میدهد مانند :
احمد کابل خواهد رفت .
جلیله نان چاشت خود را دو بجه خواهد خورد .
انها مکتب خواهد رفتند .
ما به هرات خواهیم سفر کرد .
داکتر به ولی خواهد داد .

ه - قید Adverb :

قید کلمه یست که چگونگی یک فعل، صفت و یا قید دیگر را بیان میکند مانند :
او گریه کنان آمد .
صاحب خانه که صدا سگ را شنید به زودی دوید .
دختر همسایه ما خیلی زیبا است .
موتز شما خیلی تیز میدود .

در جمله اول گریه کنان قید است زیرا که چگونگی فعل امد را بیان میکند .
در جمله دوم به زودی قید است زیرا که چگونگی فعل دوید را بیان میکند .
در جمله سوم خیلی قید است که چگونگی صفت زیبا را بیان میکند .
در جمله چهارم خیلی قید است که چگونگی قید تیز که قید فعل میدود است بیان میکند .

۶ - حرف ربط Preposition:

مانند: به، با، بی، بر، تا، در، بر سر، زیر، از و غیره .

۷ - حرف عطف (وصل) Konjunktion :

حرف وصل حرفی است که دو جمله یا دو اسم را با هم یک جا می کند مانند :
و ، که ، مگر ، زیرا که ، برای اینکه ، باوجود آنکه ، یا..... یا و غیره .
احمد و محمود به افغانستان سفر میکنند .
من که به مکتب رسیدم تو نه بودی .
انها کابل نه رفتند زیرا که پول نه داشتند .
نفیسه امد مگر کتاب را نه آورد .

در سالهای بعد از ۱۹۸۶ یک تعداد شاگردان دری زبان داخل تدریس لسان مادری دری گردیدند . بنده با وجود کمبود کتب و مواد ممد درسی به تدریس لسان مادری دری نیز آغاز نمودم .
در ان زمان نه کتب درسی پشتو و نه دری در دسترس ما بودند . با همه مشاکل این یک گرامر مختصر دری را با وجود کمبوداتی که دارد نوشتم .
این گرامر که شاید از یک طرف یک رهنما کوتاه گرامر دری خواهد بود و از طرف دیگر ممد آموزش گرامر سویدنی و خاصتا گرامر سویدنی خواهد بود .
کسانیکه چه معلم و چه شاگرد ازین گرامر استفاده مینمایند در حصه کمبودات و نواقص ان معذرت بنده را قبول کرده یا خود شان نظر به احتیجاتی که دارند اصلاح کرده و یا با من تماس بگیرند تا به همکاری یکدیگر اصلاحات لازم در ان بیاوریم .

تشکر

Ali Rasolzada
Sunnan v 271
216 17 Malmö
040- 156753
alirasolzada@hotmail.com

www.said-afghani.org - بارگشت به صفحه اصلی